

Geopolitical Challenges of Regionalism of the Islamic Republic of Iran in the West Asia

Abolfazl Alizadeh PhD student in the Department of Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. E-mail: fazldai2856@gmail.com

Saeed Moghimi *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. E-mail: moghimi.kiau@gmail.com

Afshin Zargar Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. E-mail: zargar.a2003@gmail.com

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

Islamic Republic of Iran,
West Asia,
Regionalism,
Political Divergence

ABSTRACT

The problem investigated in this article is the geopolitical challenges that in the West Asian region become an obstacle to the convergence of the Islamic Republic of Iran and strengthen the political divergences of the Islamic Republic of Iran in this region, from the perspective of international politics, the structural obstacles caused by the consequences of the anarchic structure and the security puzzle are considered determinative obstacles, but this article deals with the geopolitical challenges that competing actors create for the regional integration of the Islamic Republic of Iran, these actors also include the United States of America, the Kingdom of Saudi Arabia, and Israel. The continuation of the political divergence of the Islamic Republic and the geopolitical competition in the West Asian region have created various costs for all the actors of this regional system.

Cite this Article: Alizadeh, A., Moghimi, S., & Zargar, A. (2024). Geopolitical Challenges of Regionalism of the Islamic Republic of Iran in the West Asia. *International Relations Researches*, 14(1), 211-231. doi: 10.22034/irr.2024.479725.2602



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.479725.2602



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چالش‌های ژئوپولیتیکی منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا

ابوالفضل علیزاده دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

رایانامه: fazldai2856@gmail.com

سعید مقیمی نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

رایانامه: moghimi.kiau@gmail.com

افشین زرگر استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران. رایانامه: zargar.a2003@gmail.com

در باره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مسئله مورد تحقیق در این مقاله چالش‌های ژئوپولیتیکی است که در منطقه غرب آسیا سد مسیر همگرایی جمهوری اسلامی ایران می‌شود و واگرایی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه تقویت می‌کند. از منظر سیاست بین الملل موانع ساختاری ناشی از پیامدهای ساختار آنارشیک و معمای امنیتی موانع تعیین کننده‌ای محسوب می‌شوند، اما این مقاله به چالش‌های ژئوپولیتیکی که بازیگران رقیب برای همگرایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کنند پرداخته است. این بازیگران نیز از جمله شامل ایالات متحده آمریکا، پادشاهی سعودی و اسرائیل است. استمرار واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی و رقابت‌های ژئوپولیتیکی در منطقه غرب آسیا هزینه‌های گوناگونی برای کلیه بازیگران این سیستم منطقه‌ای ایجاد کرده است. روش تحقیق در این مقاله تبیینی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.
کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، غرب آسیا، منطقه‌گرایی، واگرایی سیاسی	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۳۱	

استناد به این مقاله: علیزاده، ابوالفضل، مقیمی، سعید، & زرگر، افشین. (۱۴۰۳). چالش‌های ژئوپولیتیکی منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی

ایران در غرب آسیا. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۱۴(۱)، ۲۱۱-۲۳۱. doi: 10.22034/irr.2024.479725.2602.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





منطقه راهبردی «غرب آسیا» در کنار دیگر مناطق نظام بین‌المللی در زمره حوزه‌های اصلی و کانونی قرار دارد که از زمان «انقلاب صنعتی» و گسترش استعمار غربی و سپس تضعیف و سقوط حکومت صفویه در ایران تا به امروز همواره در حیطه و حوزه نفوذ قدرت‌های بزرگ جهانی قرار داشته است. حوزه نفوذ بودن غرب آسیا موجب شده است تا این منطقه راهبردی طی دو دهه اخیر با مشکلات عدیده‌ای از جنس فراوانی تعارضات و مداخلات خارجی، گستردگی و تنوع تهدیدات موضوعی و مکانی، فراوانی انشقاق‌های گروهی و قومی، حضور فعال و گسترده گروه‌های بنیادگرا و تروریست، آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی و متعاقباً شکننده شدن مرزها و همچنین تنوع الگوی رفتاری کشورها از همکاری و رقابت تا تعارض دست‌وپنجه نرم نماید. در رابطه با پیشینه کنشگری ایران در آوردگاه راهبردی غرب آسیا می‌توان چنین اظهار داشت که سیاست خارجی ایران متأثر از دگردیسی‌هایی که در منطق و مدل حاکم بر نظام بین‌الملل حادث شده است، در فرایند حیات خود چند دوره متفاوت را در بازه‌های زمانی (۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷ میلادی)، (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ میلادی)، (۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ میلادی) و از ۱۹۹۰ میلادی تا به امروز تجربه کرده است. توضیح مطلب اینکه در دوره نخست که از سال ۱۹۴۵ آغاز و در سال ۱۹۶۷ میلادی پایان می‌یابد شاهد فروپاشی امپراتوری عثمانی و متعاقباً شکل‌گیری نظم منطقه‌ای هستیم که از سوی دولت‌های خارجی تعریف و پیاده‌سازی شده است. با عنایت به اینکه در بازه زمانی مورد اشاره، ایران از استقلال عمل چندان زیادی برخوردار نبود، از این‌رو شاهد آن هستیم که مبادرت به ایفای نقش نیروی نیابتی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس می‌نماید. کاهش موقعیت و نفوذ منطقه‌ای مصر و متعاقباً قدرت‌یابی کنشگران رقیب از جمله تحولاتی هستند که در خلال دوره دوم (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ میلادی) تحولات مربوط به حوزه غرب آسیا ظهور و بروز یافته‌اند. متأثر از تحولات پدیدار شده، ایران و عربستان سعودی در قالب سیاست دو ستونی ایالات متحده وظیفه حفظ نظم و تأمین منافع واشنگتن را در منطقه راهبردی غرب آسیا و حوزه خلیج فارس بر عهده گرفتند. دوره سوم نظم منطقه‌ای غرب آسیا که در فاصله بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ میلادی پدیدار شد به افول کامل قدرت مصر و تضعیف ایران در نتیجه انقلاب اسلامی اختصاص دارد. موضوع قابل توجهی که در خصوص وقوع انقلاب اسلامی در ایران وجود دارد آن است که در نتیجه جنگ نه‌تنها اجازه نقش‌آفرینی فعال منطقه‌ای از ج.ا.ایران سلب گردید، بلکه نظم موجود منطقه‌ای و جهانی با چالش‌های عدیده‌ای مواجه شد. دوره چهارم نظم منطقه‌ای در حوزه راهبردی غرب آسیا مربوط به سال‌های پس از ۱۹۹۰ میلادی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه و بررسی می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷).

در خصوص منطقه‌گرایی می‌توان چنین اظهار داشت که مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل، تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد. در ادبیات روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. در ادبیات روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی، منطقه به‌عنوان پیوستگی متقابل تعدادی از کشورها اطلاق می‌شود که از جهت جغرافیایی و فرهنگ متجانس می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، تعدادی از کشورها از طریق تأسیس یک نهاد منطقه‌ای و همکاری در حوزه‌های مختلف به ایجاد و گسترش هویت مشترک مبادرت می‌نمایند (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

با چنین تفاسیری، منطقه‌گرایی به راهبردی اشاره دارد که طی آن دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. منطقه‌گرایی خود تقسیمات مختلفی دارد و به انواع گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره ترکیبی قابل تقسیم است. در منطقه‌گرایی سنتی که در دوران جنگ سرد شکل گرفت بیشتر بر ابعاد سیاسی - امنیتی تأکید می‌شد، اما در منطقه‌گرایی نوین که به‌خصوص با محوریت دنیای غرب تقویت گشت بر مقولات اقتصادی توجهی ویژه شد و تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی در میان جوامع یک بلوک سیاسی که ترجیحاً از سوابق مشترک فرهنگی، زبانی، دینی و تاریخی نیز برخوردار هستند، ضرورتی انکارناپذیر معرفی گشت.

آنچه به چنین تلاشی و جاهت اخلاقی و عملی بخشید، شعارهایی نظیر تجدید بنای مناطق ویران شده در اثر جنگ، فعال کردن و تحریک بخشیدن به منابع اقتصادی کشورها و همچنین ایجاد و بسط صلح و ثبات مورد نظر از طریق توسعه همکاری‌های اقتصادی بود. امروزه، موتور محرکه عموم همکاری‌های منطقه‌ای، منافع اقتصادی بازیگران است و نگاه غالب نه درون‌گرایی و بی‌اعتمادی، بلکه برون‌گرایی و اعتقاد به وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی است. طبق فرضیه برون‌گرایی اشمیتر، از آنجایی که انگیزه‌های همگرایی در داخل جامعه نسبت به دیگر بازیگرانی که در خارج از جامعه قرار گرفته‌اند، موجب بروز تبعیض می‌گردد، برای آن‌ها که خارج از اتحادیه هستند، دو واکنش متصور است: تشکیل اتحادیه‌ای منطقه‌ای دیگر یا پیوستن به اتحادیه حاضر. هر دو شق، نیز احتمال همکاری گسترده‌تر بین



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۳. راهبردهای ج.ا.ایران در راستای منطقه‌گرایی در حوزه غرب آسیا

با توجه به وجود تهدیدات متنوع علیه ج.ا.ایران و بر اساس تئوری لازمه تنوع‌بخشی «اشبی» می‌توان عنوان کرد که سازوکار ج.ا.ایران در مواجهه‌شدن با این تهدیدات متنوع و برای مقابله و خنثی‌سازی این تهدیدات از تنوع راهبردی بهره می‌برد. به‌طور کلی ج.ا.ایران برای مواجهه‌شدن با این تهدیدات از دو نوع توان برخوردار است: (۱) توان شبکه‌سازی و اختلال در شبکه‌های موجود؛ و (۲) توان بازدارندگی در غرب آسیا. (Ghasemi, 2007: 119)

الف- توان شبکه‌سازی و اختلال در شبکه‌های موجود

شبکه‌سازی مستلزم پیوند خرده‌دستگاه‌های موجود، ائتلاف‌سازی با واحدهای درگیر در این شبکه است. این پیوند و ائتلاف‌سازی دارای ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیک است. ایران از منظر موقعیت ژئوپلیتیک توان شبکه‌سازی را خواهد داشت، از جمله ایفای نقش پیوندی بین آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و آسیای جنوب غربی. شایان ذکر است که ایران از این توان خود و با توجه به اهمیتی که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برای چین دارد می‌تواند در رابطه با چین بهره‌برد و چین را در آینده نظم منطقه‌ای غرب آسیا درگیر کند تا در آینده از برگ برنده این کشور در مقابل اتحاد و ائتلاف ترکیه با غرب بهره‌برد. بعلاوه ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود می‌تواند از پیوندهای موضوعی و مکانی بهره‌برد. دومین نوع توان، توان اختلال در شبکه‌های موجود به‌منظور تحمیل خسارت غیرقابل تحمل بر دشمنان است که البته به‌کارگیری این نوع توان از سوی ایران با سهولت بسیار بیشتری انجام‌پذیر است.

ب- برخورداری از قدرت بازدارندگی در حوزه غرب آسیا

در حوزه نظامی امنیتی ایران از راهبرد بازدارندگی برای خنثی‌سازی تهدیدات موجود در محیط پیرامونی خود بهره می‌برد. البته اجرای این راهبرد با توجه به نوع تهدیدات و کارگزاران تهدید متفاوت است: - بازدارندگی مثلی: ایران در برابر تهدیدات ناشی از ناحیه هژمون از بازدارندگی مثلی بهره می‌برد که به معنای تهدید متحدان هژمون است. در اینجا منظور از هژمون ایالات متحده است که ج.ا.ایران می‌تواند از طریق ایجاد هم‌پیوندی راهبردی میان خود و کشورهای محور مقاومت و به‌طور مشخص عراق، سوریه و لبنان موجبات ایجاد بازدارندگی مثلی را فراهم نماید؛



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در بحران‌های مختلف؛ افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران؛ افزایش احتمال اتحاد و ائتلاف علیه دشمن؛ افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح محلی و منطقه‌ای به سایر سطوح افقی از جمله جهانی؛ افزایش احتمال سرایت عمودی بحران‌ها و درگیر ساختن سایر سطوح موضوعی (Ghasemi, 2011: 392). جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه و موقعیت این کشور در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا توان استفاده از همه فن‌های بالا و ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای در مقابل رقبا از جمله هژمون را دارد.

۴. چالش‌های منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در حوزه غرب آسیا

جمهوری اسلامی ایران از جمله واحدهای منطقه‌ای در غرب آسیاست که به‌دلیل موقعیت کانونی خود در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، زیر فشار شدید ناشی از آشوبی بودن نظم منطقه‌ای غرب آسیا قرار دارد. این شرایط چالش‌های مختلفی را برای جمهوری اسلامی ایران سبب شده است. تهدیدات ناشی از چالش با آمریکا، اسرائیل و مسائل مرتبط با آن، شیعه‌هراسی حاکمان عرب سنی، گروه تکفیری و تهدیدات ناشی از آن‌ها در سوریه، لبنان و عراق و الگوی رقابتی سایر قدرت‌های منطقه‌ای، از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جهت منطقه‌گرایی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا هستند.

۱) مداخله‌گری ایالات متحده

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌طور خاص در زمان حکومت پهلوی دوم، ایران و آمریکا روابط دوستانه و مستحکمی با یکدیگر داشتند. در این زمان، ایران متحد استراتژیک جبهه غرب در منطقه محسوب می‌شد. در چارچوب ترتیبات امنیت منطقه‌ای، همچون «سنتو» و «سیستم دوستونی»، ایران به‌عنوان رکن اساسی و به عبارت روشن‌تر، ستون حفظ امنیت در منطقه در مقابله با جبهه کمونیسم به شمار می‌رفت. اهمیت جایگاه ایران برای مقابله با کمونیسم در سیاست خارجی آمریکا به حدی بود که حتی روابط آمریکا با دیگر کشورهای منطقه، همچون ترکیه و پاکستان و شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را تحت الشعاع قرار داده بود (اسدی، ۱۳۸۱؛ ۴۲۸). اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نه تنها این روابط متوقف شد، بلکه خصومتی عمیق بر روابط دو کشور حاکم شد. از این زمان، دولت آمریکا اقدامات خصمانه‌ای را برای مقابله و کنترل دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت. خصومت ناشی از این الگوی رفتاری میان دو کشور، بارها دو کشور را تا آستانه تقابل مستقیم کشانده است. آمریکا به‌عنوان قدرت هژمونیک جهانی همواره کوشیده است با تکیه بر توان خود در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، نظم منطقه‌ای مطلوب خود را در غرب آسیا پی افکند (امینیان،



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۲) توسعه‌طلبی اسرائیل

تحمیل موجودیت اسرائیل توسط قدرت‌های جهانی تبدیل به یک ورودی آشوب‌ساز پایدار برای سیستم منطقه‌ای غرب آسیا شده است. اهمیت ناشی از این موضوع سبب همگرایی کشورهای اسلامی در قالب سازمان همکاری اسلامی در سال ۱۹۶۹ شده بود. در تمام سال‌های پس از تأسیس اسرائیل، به دلیل حاکمیت الگوی رفتاری تعارضی مابین این رژیم و اکثر دولت‌های اسلامی منطقه، این کشور محاط در تهدید بوده است. شرایط یاد شده سبب شده است که اسرائیل از معدود کشورهایی باشد که بالاترین و طولانی‌ترین تعارض و تخاصم را در طول حیات خود تجربه کرده است. گاه‌شمار تعارض این کشور با کشورهای محیط پیرامونی خود در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ گواهی بر این مدعاست. شکست‌های پی‌درپی اعراب از اسرائیل سبب یأس و روی‌گردانی آن‌ها از آرمان فلسطین نشد؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، سبب احیای دوباره آرمان فلسطین در شرق سرزمین‌های اسلامی شد. جمهوری اسلامی ایران برخلاف کشورهای عربی، هم‌اوردی قدرتمند برای اسرائیل محسوب می‌شود. توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران برخلاف کشورهای عربی برای اسرائیل تهدیدی بزرگ قلمداد می‌شود. (Shapira and Brun, 2020:19)

علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر برجستگی ژئوکالچر و موقعیت قانونی خود با شبکه‌سازی از گروه‌های اسلامی، پایه‌گذار محور مقاومت در مجاورت سرزمین‌های اشغالی شد. بعد از تحولات موسوم به «بیداری اسلامی» و تحولات سوریه، کریدور ارتباطی محور مقاومت در مجاورت مرزهای سرزمین‌های اشغالی بیش از گذشته مستحکم شد. پیروزی محور مقاومت در سوریه علاوه بر اینکه بشار اسد را در حکومت ابقا کرد، سبب شد حزب‌الله لبنان نیز بیش از گذشته در جنوب لبنان و مجاور مرزهای اسرائیل قدرتمند شود. به‌عبارت‌دیگر، بعد از پیروزی محور مقاومت بر داعش، سوریه و در رأس آن بشار اسد که همواره به‌دلیل اشغال بلندی‌های جولان از سوی صهیونیست‌ها با این کشور روابط تعارضی دارد، نیز در رأس قدرت ماند. (Cordesman, 2007: 10)

موضوع مهم‌تر مستحکم‌تر شدن حضور ایران در سوریه و شمال سرزمین‌های اشغالی و متعاقب آن برهم خوردن توازن قدرت به ضرر اسرائیل است. اما تحولات موسوم به بیداری اسلامی در عین حال که برای اسرائیل به سبب قدرتمند شدن محور مقاومت تهدیدزا بود، سبب طرح فرصت نیز شد. قدرتمند شدن ایران دستمایه‌ای برای سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل شد. این کشور با بزرگ‌نمایی تهدید ناشی از ایران برای پادشاهی‌های محافظه‌کار عربی، در حال هموار کردن راه خود برای ورود به بازی‌های استراتژیک



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



از این موضوع دارند که ویژگی پایدار محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، تنش و تضاد و آشوب گسترده و پیچیده است. موضوعی که قطعاً دارای پیامدهای مهم و گسترده‌ای همچون ایجاد تهدیدات اساسی علیه جمهوری اسلامی در سطوح مختلف خواهد بود.

۴) عدم انتفاع اقتصادی و تجاری از برتری در سطح منطقه

یکی از مشکلات تاریخی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی که ایران را عذاب داده و مانعی مهم برای پیوستن این کشور به نظام اقتصاد منطقه‌ای در عرصه کنونی جهانی‌شدن اقتصاد است، این حقیقت تلخ بوده که ایران تا به امروز نتوانسته است کنشگری اقتصادی باشد، حال آنکه همه واحدهای سیاسی در گام اول یک بازیگر اقتصادی و در گام دوم یک بازیگر سیاسی و سپس کنشگری امنیتی برای ملت خود هستند. به نظر می‌رسد ایران در طول تاریخ و شاید به دلیل موقعیت چهارراهی که داشته و از هر سو مورد تاخت‌وتاز و تهاجم بوده است، مهم‌ترین دغدغه خود را تأمین امنیت ملی می‌داند و به دلیل آنکه نتوانسته است به شکل کامل به حل این مشکل پردازد، همچنان در این شرایط و موقعیت باقی مانده و روزگار را سپری کرده است. همایون کاتوزیان معتقد است: برخلاف اروپا، در ایران انباشت درازمدت سرمایه تجاری (که می‌توانست به انباشت سرمایه فیزیکی، کشاورزی و صنعتی منجر شود) صورت نگرفت. انباشت سرمایه تجاری نیازمند چشم‌پوشی از مصرف حال پس‌انداز است و پس‌انداز طولانی نیازمند وجود حداقلی از امنیت در فاصله زمانی معقول است. دارایی مالک در زمان حیات و پس از مرگ او نباید در معرض خطر دست‌درازی خودسرانه باشد و پس‌انداز کننده باید انتظار حداقلی را از آرامش و ثبات در آینده داشته باشد. طبقات پولدار ایران نمی‌توانستند روی دریافت چنین حمایت و امنیتی از جانب هیچ‌یک از گروه‌های اجتماعی حساب کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۶-۱۵).

حسین عظیمی، یکی از پژوهشگران در زمینه علل توسعه‌نیافتگی اقتصاد ایران می‌گوید: اگر به این مسائل با دقت توجه شود ایران از دوران مشروطیت تا زمان اخیر پیوسته درگیر مبارزه برای تثبیت وضعیت سیاسی خود بوده و این‌که در جریان مبارزات و تحولات سیاسی کمتر فرصت پرداختن به مسائل اقتصادی را داشته است، مسأله روشن‌تر می‌شود. چند سال پس از انقلاب مشروطیت، آثار جنگ جهانی اول دامن‌گیر ایران می‌شود و هنوز از مصائب و مشکلات ناشی از آن خلاصی نیافته، دچار تحول سلطنت از قاجار به پهلوی می‌شود؛ از آن به بعد نیز بار دیگر جنگ جهانی پیش می‌آید و ایران را به سهم خویش درگیر می‌کند؛ و هنوز مسائل جنگ دوم را پشت سر نگذاشته، قضایای ملی شدن صنعت نفت پیش می‌آید و سپس حکومت کودتا و تحولات سال‌های ۱۳۴۰ و نهایتاً همه این تحولات به پیروزی انقلاب



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سخت‌افزاری تأمین امنیت و در ساخت سلاح‌ها و جنگ‌افزارها تلاش کند، آنکه تجربه کنونی موجود در جامعه ایران چنین نیست. یک‌بار دیگر باید متذکر شد که در نظم موجود منطقه‌ای و جهانی، امنیت ملی هر کشوری از طریق تلاش آن دولت و ملت برای کسب و افزایش ثروت ملی راحت‌تر امکان‌پذیر است تا از مسیر تلاش برای ساخت و تجمیع امکانات سخت‌افزاری تأمین امنیت ملی، و این اصل اساسی، امروز از طریق همکاری منطقه‌ای و سپس در ادامه همکاری و وابستگی متقابل جهانی ممکن می‌شود تا با گام‌های انفرادی و بدون همکاری و پشتیبانی منطقه‌ای و جهانی. به صراحت می‌توان گفت دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در تاریخ پس از انقلاب حتی با وجود برداشتن گام‌های اساسی در عرصه اقتصادی، سیاسی و امنیتی در دو حوزه منطقه‌گرایی و جهانی‌سازی نتوانسته‌اند با جهان همراه شوند و با توجه به ماهیت عقیدتی نظام سیاسی، برای پیوستن به این دو پدیده نوظهور بعد از جنگ سرد، دچار تضاد و تناقض حل‌ناشدنی هستند. در فرآیند منطقه‌گرایی نوین، اصل و بنای فعالیت و هر نوع اقدامی بر محور اقتصاد و بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در مسائل اقتصادی متمرکز است و در این وابستگی متقابل منطقه‌ای دیگر نباید به دنبال استقلال اقتصادی بوده بلکه ساختار اقتصادی کشورها در نظامی منطقه‌ای در تاروپود اقتصادی کشورهای منطقه‌ای قرار می‌گیرد و این شاید چندان خوشایند دولتمردان سنتی انقلابی دهه اول و حتی دوم کشور نباشد (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۰۵).

۵. ضرورت تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران

ماهیت نظام بین‌الملل در دنیای امروز به شکلی است که به همان اندازه که دامنه‌های نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها در دنیا افزایش می‌یابد به همان اندازه نیز ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف‌ها و تمرکز بر منطقه‌گرایی نیز گسترش می‌یابد. به‌عنوان نمونه حضور آمریکا در مناطق مختلف جهان زمانی اتفاق افتاد که منافع آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به‌عنوان یک ابرقدرت در مناطق مختلف جهان گسترش یافت و به تبع آن نیاز به شناخت ملت‌ها و ائتلاف با دولت‌های جهان در مناطق مختلف یک امر اجتناب‌ناپذیر شد. در سال ۲۰۰۹ میلادی نیز هم‌زمان با شکست استراتژی بوش در ایجاد یک دنیای تک‌قطبی به رهبری آمریکا، دولت اوباما استراتژی جدید آمریکا را مبتنی بر ایجاد همکاری و ائتلاف با دولت‌ها و ملت‌های دوست و رقیب برای حل مسائل جهانی و منطقه‌ای و به‌عبارت‌دیگر تمرکز بر نوعی منطقه‌گرایی قرار داده است. مثال دیگر، تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه در قالب تفکر عثمانی‌گرایی جدید است. این استراتژی از اهرم‌های مهم ترکیه در ایجاد تعادل با قدرت‌های بزرگ، آمریکا و اتحادیه اروپا و استفاده از ظرفیت‌های هویت ژئوپلیتیک این کشور در جهت افزایش بازیگری



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ایران قرار دارد که در اصل ارتباط با غرب را یک ضرورت و محور یک سیاست خارجی عمل‌گرا در نظر می‌گیرد (Mottaki, 2009: 7). از این دیدگاه غرب (آمریکا) تولیدکننده اصلی ثروت و قدرت در جهان است و ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی نوظهور نیاز به تعامل با آمریکا برای دستیابی به نقش‌های مهم سیاسی - امنیتی در منطقه و در جهان و همچنین فناوری و سرمایه‌های غربی برای توسعه اقتصادی در حال رشد خود دارد؛ اما ایجاد تعادل میان این دو رویکرد با تمرکز بر منطقه‌گرایی می‌تواند منافع و امنیت ملی ایران را بهتر تأمین کند. به‌عنوان یک واقعیت، اهمیت جهانی ایران وابسته به اهمیت مسائل منطقه‌ای است که ایران در آن یک بازیگر اصلی است. هرچند ایران قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر و در دوران جنگ سرد حائز اهمیت بود، اما افزایش نقش و نفوذ ایران بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران عراق در سال ۲۰۰۳ قابل مقایسه با دوران قبل نیست. افزایش اهمیت نقش ایران به‌دلیل قرار گرفتن ایران در یک محیط سیاسی - امنیتی است که برای نظم جهانی دارای اهمیت حیاتی است. مبارزه با تروریسم القاعده و جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی (WMD) و حل بحران‌های منطقه‌ای در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین مسائلی هستند که در حال حاضر سر تیتراهای اصلی امنیت بین‌الملل می‌باشند (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۵۶).

جمهوری اسلامی ایران در تمامی مسائل مهمی که مربوط به منطقه می‌باشند اثرگذار است. در اصل، بازیگری بالای ایران در مسائل غرب آسیا و همچنین برنامه هسته‌ای و تصمیم به حفظ چرخه مستقل سوخت هسته‌ای، زمینه‌گفت‌وگوهای استراتژیک ایران و آمریکا و مذاکرات احتمالی بین دو طرف از موضع برابر سیاسی در منطقه را فراهم کرده است. بعضی دیدگاه‌ها در ایران که می‌توان از آن به‌عنوان منطقه‌گرایی سنتی یاد کرد، معتقدند که حضور بیش از اندازه ایران در مسائل غرب آسیا به‌خصوص مسائل جهان عرب از جمله مسأله فلسطین و لبنان تنش‌زا بوده و هزینه‌های جدی سیاسی در روابط ایران با کشورهای منطقه و جهان غرب به‌خصوص آمریکا دارد؛ بنابراین ایران نباید بیش از اندازه بر منطقه‌گرایی تأکید کند. محور دیدگاه فوق، تقویت رویکرد توسعه‌ای در سیاست خارجی، با تأکید بر ژئوپلیتیک حساس ایران است که هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را برای منافع ملی ایران به همراه می‌آورد. بر این اساس بهتر است که ایران تنها حضور فعال در محیط فوری امنیتی خود در سطح همسایگان داشته باشد. در مقابل، منطقه‌گرایی جدید با رویکردی سیاسی - امنیتی قرار دارد که معتقد است ایران باید علاوه بر حضور فعال در مناطق فوری امنیتی خود، در مناطق غیر فوری امنیتی خود از جمله خاور نزدیک (لبنان، فلسطین) نیز حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشد و از دامنه‌های نقش و



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



است تا با نفوذ در شبکه‌های ریلی و انرژی (نفت و برق) منطقه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در نظام سیاسی کنونی جهان، سطح نفوذ خود را بیش‌ازپیش ارتقا بخشد. به بیانی دقیق‌تر، ج.ا.ایران از طریق عامل انرژی در پی آن است تا شرایط لازم جهت افزایش نفوذ اقتصادی خود در سطح منطقه را از طریق ایجاد شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته ایجاد نماید. شاهد مثال انگاره مورد اشاره تلاش ج.ا.ایران در راستای راه‌اندازی خط لوله موسوم به «پرشین» یا اسلامی به طول چهار هزار و نهصد کیلومتر است که موافقت‌نامه آن با برآورد هزینه اجرایی در حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ میلادی میان ج.ا.ایران، سوریه و عراق منعقد شد و بر اساس آن مقرر گردید تا ظرف مدت‌زمان سه سال منابع گازی از عسلویه به عراق - سوریه - بنادر لبنان و در نهایت به اروپا انتقال یابد. البته این طرح با آغاز تحولات موسوم به بیداری اسلامی متوقف شد. وصل کردن شبکه‌های ریلی خود به کشورهای منطقه از جمله اقدامات دیگر تهران در جهت پیگیری سیاست منطقه‌گرایی است که به‌همین منظور و در طول دو دهه اخیر ج.ا.ایران ظرفیت ریلی خود را حدوداً دو برابر کرده است (در مجموع حدود ۲۵ هزار کیلومتر). با عنایت به توانمندی‌های موجود و همچنین با در نظر داشتن شبکه‌های ریلی مشترک با کشورهای جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، پاکستان، ترکیه و قزاقستان، برنامه‌های چندگانه‌ای برای اتصال شبکه ریلی به کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، عراق و سوریه طراحی شده است. در خصوص منطقه‌گرایی ژئوکالچر محور نیز می‌توان چنین اظهار داشت که ج.ا.ایران با علم به رقابت درون ایدئولوژیکی میان کشورهای مسلمان در قالب ایدئولوژی‌های شیعه و سنی، به دنبال شکل‌دهی به گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی بر اساس ظرفیت‌های ژئوکالچری خویش است (قاسمی و فرجی راد، ۱۳۹۷). از جمله اقدامات عینی و عملیاتی ج.ا.ایران می‌توان به حمایت از گروه‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش مانند: حزب‌الله، انصارالله یمن، حماس و به‌طور ویژه مردم فلسطین اشاره کرد که این حمایت‌ها در دو سطح مادی - نظامی و معنوی انجام شده است (مسعودنیا و قربانی، ۱۳۹۰: ۱۳). نکته قابل توجهی که در این‌بین وجود دارد آن است که در حال حاضر نزدیک‌ترین الگو به نظرات ج.ا.ایران، الگوی حزب‌الله لبنان است که به‌نوعی می‌توان از آن به‌عنوان سر شبکه منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در حوزه غرب آسیا یاد کرد.

نتیجه‌گیری

منطقه غرب آسیا از جمله مناطقی است که پس از جنگ جهانی اول و دوم و بالأخص پس از جنگ سرد به لحاظ مزیت‌های ویژه خود مرکز توجه و محور سیاست‌های رقابتی و همکاری قدرت‌های بزرگ و عرصه منازعه و چالش بازیگران دولتی و غیردولتی قرار گرفت و به‌همین لحاظ در دوره گذار ژئوپلیتیکی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۸۱) «خلیج فارس و مسائل آن»، تهران: نشر سمت.
- افضلی، رسول (۱۳۹۶) «روش‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امیدی، علی (۱۳۸۸) «علل تطویل بحران داخلی در گرجستان پس از انقلاب رز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸.
- امیدی، علی و آقا محمدی، زهرا (۱۳۹۵) «بحران سوریه بر اساس نظریه مکعب بحران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۹، شماره ۴.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۴) «آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات»، فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۶-۷.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷) «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۶۶۶-۶۵۳.
- پور تقی، محمد، مرادیان، محسن، کرمی، رضا و نادى، حمیدرضا (۱۴۰۱). «راهبردهای نظامی ارتقا جایگاه ج.ا.ایران در هندسه قدرت نظامی منطقه غرب آسیا»، آینده‌پژوهی دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۷۷-۵۵.
- حاجی‌مینه، رحمت، معراجی، ابراهیم. (۱۳۹۹). امکان سنتجی شکل‌گیری جامعه امن در غرب آسیا. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲(۴)، ۷۴-۵۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و میرزایی تبار، میثم (۱۳۹۹) «قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۱.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴) «ایران و جهانی‌شدن»، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران
- سیمبر، رضا و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۸۷) «روابط بین‌الملل و دیپلماسی در نظام متحول جهانی»، تهران: سمت.
- عبدالمطلب، عبدالله (۱۳۹۵). «انقلاب اسلامی و منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا سیاست خارجی ج.ا.ایران و منطقه غرب آسیا»، نشریه جغرافیا، دوره چهاردهم، شماره ۵۱، صص ۵۲۱-۵۰۱.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰) «نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۷) «جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی»، ترجمه علیرضا طیب، نشر مرکز، تهران.
- مسعودنیا، حسین و قربانی، سعید (۱۳۹۰) «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۱.
- Aras, Bulent (14 April 2009), "Turkey's Soft Power", available at: guardian. Co. UK
- Cordesman, Anthony H. (2007), Israel and Syria: The Military Balance and- Prospects of War, Center for Strategic and International Studies. Deutsch, k. W. (1979), Tides Among Nations. New York: free press
- Ghasemi, F. (2007). Theoretical Approach to Designing Iran's Foreign Policy Deterrence Model, *Geopolitics Journal*, 3(1), (in Persian).
- Ghasemi, F. (2011). Theories of international relations and regional studies, **Tehran: Mizan.** (in Persian).



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی